

بررسی وضعیت جابجایی درون‌شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن^۱

ولی‌اله رستمعلی‌زاده*، رضا نوبخت**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱)

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی وضعیت جابجایی محله‌ای و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران است. روش پژوهش، تحلیل ثانویه داده‌های طرح «سنجش کیفیت زندگی در شهر تهران» است که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران تشکیل داده و حجم نمونه نیز شامل ۴۵۰۰۰ نفر از ۳۳۴ محله واقع در ۲۲ منطقه شهر تهران بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که جابجایی‌های بین‌منطقه‌ای و بعد از آن، جابجایی‌های درون‌منطقه‌ای و درون‌محله‌ای، از مهمترین انواع جابجایی‌ها در شهر تهران بوده‌اند و به‌طور کلی، ۸۳ درصد از افراد نمونه، یکی از انواع جابه‌جایی‌های درون‌شهری را تجربه نموده‌اند. در این بین، عمومیت با جابجایی بین‌منطقه‌ای بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که جابه‌جایی سکونتی برای افرادی که سطح درآمدی و تحصیلات بالاتر دارند و به‌دنبال بهبود وضعیت زندگی/افزایش متراژ منزل مسکونی هستند، بالاتر است. طبق یافته‌ها، مهمترین عوامل ماندگاری سکونتی عبارتند از: افزایش تعداد خویشاوندان در یک محله، افزایش سن، تعداد فرزندان بیشتر و افزایش مدت زمان اقامت. نتایج نهایی تحقیق نشان داد که متغیرهای سن، مدت اقامت، وضعیت مسکن، تعداد خویشاوندان و تعداد فرزندان، در احتمال جابجایی درون‌محله‌ای و متغیرهای مدت زمان اقامت، سن و تعداد خویشاوندان، در احتمال جابجایی بین‌محله‌ای مؤثر هستند.

کلیدواژه‌ها: جابجایی سکونتی، جابجایی درون‌شهری، جابجایی بین‌منطقه‌ای، جابجایی بین‌محله‌ای، شهر تهران.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به جابجایی درون‌شهری در شهر تهران" است که در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

* استادیار جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (نویسنده مسئول).

E-mail: vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir; v.rostamalizadeh@gmail.com

** استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه پیام نور.

E-mail: rznobakht@gmail.com

مقدمه

امروزه با توجه به افزایش میزان شهرنشینی، هم در سطح بین‌المللی و هم ملی، که در نتیجه مهاجرت‌های گسترده رخ می‌دهد، انتظار می‌رود که تنوع و گوناگونی جمعیت به‌ویژه برای مراکز شهری بزرگ که با عنوان مادرشهر (شهرهای جهانی)^۱ شناخته می‌شوند رخ بدهد. این‌گونه شهرها، با توجه به اینکه به لحاظ توسعه خدمات، داشتن اقتصاد بزرگ، قطب سیاسی و فرهنگی در سطح بین‌المللی، در سطحی بالاتر از دیگر مراکز شهری قرار دارند، جمعیت‌ها و گروه‌های متنوعی را به لحاظ سطوح اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و نیز جغرافیایی جذب نموده و روز به روز بر گستره این گوناگونی، فرهنگی- اجتماعی، کالبدی و فضایی شهر می‌افزایند.

در ایران، در دو سرشماری اخیر (سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)، نسبت مهاجران داخلی به کل جمعیت، به ترتیب ۷/۴ درصد و ۵/۴ درصد بوده است که نشان‌دهنده نقش مهاجرت داخلی در توزیع جمعیت و نیز افزایش گوناگونی جمعیت مناطق مختلف است. در این میان، حرکت به سمت مناطق شهری، در اولویت مهاجران قرار داشته است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵). با توجه به الگوی حاضر در مهاجرت داخلی و نقش نقاط شهری، به‌ویژه مراکز استان‌ها در جریان‌های مهاجرتی، در مطالعات انجام شده حوزه مهاجرت داخلی در کشور، کمتر به مهاجرت‌های شهری و یا جابه‌جایی‌های انجام شده در درون شهرها توجه شده است. همچنین از میان شهرهای مهاجرپذیر ایران، تهران شهری است که با توجه به پایتخت بودن آن، وضعیت متفاوت و استثنایی را در مقایسه با دیگر شهرها و مراکز استانی داراست. جمعیت این شهر، از حدود ۱۵ هزار نفر در سال ۱۱۶۴ شمسی (قاسمی اردهایی و زنگنه، ۱۳۹۶) به حدود ۸/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ شمسی افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین، پایتخت شدن و به‌دنبال آن، افزایش جمعیت تهران، امکانات آموزشی، خدماتی، بهداشتی، رفاهی و تجاری را در این شهر تجمیع نمود و در نتیجه این نابرابری، زمینه را جهت شکل‌گیری جریان‌های مهاجرتی عظیم به پایتخت ایران فراهم کرد.

وجود عوامل جاذبه‌ای در شهر تهران که خود از توزیع نابرابر و ناعادلانه امکانات در تهران به‌وجود آمد، این شهر را در مقایسه با سایر مناطق کشور، محلی برای اشتغال کاذب، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر و نیز فراهم شدن شرایط شغلی و کاری بهتر، به‌ویژه برای زنان تبدیل

نمود و زمینه‌ساز سوق جریان‌های مهاجرتی، به‌سوی این شهر شد (قاسمی اردهایی و زنگنه، ۱۳۹۶). بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، سالانه به‌طور متوسط، صد هزار مهاجر وارد شهر تهران شده و این وضعیت در دوره‌های بعد، البته با تعداد کمتر (حدود ۸۰ هزار نفر) ادامه داشته است. بنابراین، با توجه به اینکه استان و شهر تهران در سرشماری‌های انجام شده، بیشترین سهم را از مهاجران وارد شده به خود اختصاص داده است، نگاه محققان حوزه‌های مختلف را به خود جلب نموده است (بلادی موسوی، ۱۳۸۱؛ کاظمی‌پور و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶؛ جمعه‌پور، ۱۳۸۶؛ حمدی و فتحی، ۱۳۸۸؛ طیبی‌نیا، ۱۳۸۸؛ محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱؛ قنبری، ۱۳۹۴؛ قاسمی اردهایی و زنگنه، ۱۳۹۶؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۶). با این حال، آنچه مطالعات ذکر شده بر آن تأکید داشته‌اند، نقش جریان‌های مهاجرتی (به‌خصوص روستا-شهری) در تغییرات جمعیت استان یا شهر تهران، مطالعه علت مهاجرت و بررسی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مهاجران وارد شده در سطح استان و یا شهر تهران بوده است. اما با وجود اهمیت موضوع جابجایی‌های درون‌شهری، در تحلیل مسائل شهری ایران از چشم‌انداز جمعیتی، توجه چندانی به تحرکات/جابجایی‌های درون‌شهری نشده و مطالعات اندکی (پورااحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸؛ طیبیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲؛ سجادی و احمدی دستجردی، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۹۹) در این زمینه انجام پذیرفته است. در صورتی که دلایل چندی وجود دارد که این نوع از جابجایی‌ها دارای اهمیت هستند.

جابجایی سکونتی در یک بعد، برخی محلات را دچار فرسایش کرده و تبدیل به محلی برای فقرای شهری می‌کند یا به حاشیه‌نشینی دامن می‌زند. به‌طوری‌که جابجایی‌های درون‌شهری، عمدتاً از هسته‌های با ارزش قدیم شهری به سمت مناطق نوساز و میانی صورت می‌گیرد و بر ساختار اجتماعی - فضایی نواحی شهری و فرسودگی بیش از پیش بافت‌های قدیمی شهرها تأثیر می‌گذارند (پورااحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی ناشی از این جابجایی‌ها در پاره‌ای از مناطق شهری منجر به کاهش حس همسایگی و تبعات اجتماعی آن شده است (صفایی‌پور و سجادی، ۱۳۸۷: ۹۴). همچنین این ناهمگونی، نه فقط سبب کاهش حس تعلق به مکان شده بلکه مشارکت‌های مردمی در اجرای طرح‌های ساماندهی شهری را کاهش می‌دهد و دوباره منجر به تشدید انگیزه مهاجرت در جمعیت قدیمی (اولیه) محدوده می‌شود.

همچنین عدم شناخت و درک سازوکار حاکم بر این جابه‌جایی‌ها که متأسفانه تاکنون به آن به‌عنوان مسأله مهم شهری توجه نشده، مناطق مختلف تهران را از طریق اعمال سلاقی مختلف در ساخت و سازها، دچار بی‌قوارگی و بی‌هویتی کرده و عامل عمده تغییر و تبدیل سریع کاربری‌ها شده است (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲؛ سجادی و احمدی دستجردی، ۱۳۸۷: ۱۰۰؛ صفایی‌پور و سجادی، ۱۳۸۷: ۹۴). در کنار این‌ها و با عنایت به اینکه میزان جابجایی درون‌شهری در تهران به شکل بسیار ناهنجاری گسترش یافته است، این ویژگی باعث شکل‌گیری و بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی متعددی در برخی از مناطق و رشد آبادانی در برخی دیگر از مناطق شده است. جابجایی درون‌شهری به مانند مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، منجر به شرایط بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود که نمونه این موضوع برای مثال، محله هرنندی است که وضعیت اجتماعی بی‌سازمان آن به همراه فقر و تحرک سکونتی، آسیب‌های اجتماعی متعددی نظیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، فحشا، خودکشی و... را به دنبال دارد (پروین و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۵). حرکت دائم و سیال در کلانشهر فرپاشیده تهران که با انفجار جمعیتی روی داده است، باعث می‌شود تا فرد هیچ‌گاه یک مکان را به مثابه خانه خود تلقی نکند و همین احساس بی‌تعلقی و بی‌مکانی است که مشارکت اجتماعی و یا حتی تمایل به مشارکت اجتماعی را به سطوح بسیار نازل آن کاهش می‌دهد (پروین و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۵). در نهایت اینکه، جابجایی‌های درون‌شهری خانواده‌ها، پیامدهای آشکاری بر رونق و رکود بازار زمین، مسکن و اجاره بها، ساخت مسکن جدید و نوسازی و تعمیر مسکن موجود، تغییر در الگوی استفاده از مسکن و تراکم سکونتی در مناطق مختلف شهر بر جای می‌گذارد و باعث شکل‌گیری و تغییر حوزه‌های اجتماعی در داخل شهر می‌گردد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴). بنابراین، با توجه به تفاسیر بالا، یکی از مهمترین ابعاد مهاجرت، دست کم در کشور ایران و در کلانشهرهایی همچون تهران، مسئله جابجایی درون‌شهری است (پروین و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). از این رو و در شمار مسائل مهمی که می‌باید در ساماندهی و تحقق پایداری توسعه کلانشهر تهران مورد توجه قرار گیرد، جابجایی‌های درون‌شهری است. جابجایی‌های درون‌شهری بر ساختار اجتماعی-فضایی نواحی شهری، اثر گذارند و این نوع جابجایی‌ها دارای قانونمندی‌های خود بوده و از طرفی به جهت پایداری شهری، توجه به آن به‌ویژه برای دستیابی به راهبرد مناسب در برنامه‌ریزی برای مدیران شهری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این

جابجایی‌ها که به‌منظور تغییر در محل سکونت در شهر، عمدتاً بر مبنای تغییر در شرایط اقتصادی-اجتماعی و تا حدودی فرهنگی است، موجب تغییر در شیوه زندگی افراد و خانواده‌ها گردیده و مناطق و نواحی مختلف را دستخوش تغییرات می‌کند. از آنجایی‌که این نوع از جابجایی‌ها می‌توانند با ایجاد تنوع و گوناگونی جمعیتی در مناطق، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی را برای برخی مناطق تشدید نمایند و بر موضوعاتی مانند همبستگی اجتماعی ساکنین محله، تغییر حس همسایگی و حتی مسایل اجتماعی در مناطق و محله‌ها اثرگذار باشند، دارای اهمیت هستند. بنابراین، اگرچه مطالعاتی در این حوزه به‌ویژه در شهر تهران انجام شده است (سجادی و احمدی دستجردی، ۱۳۸۷؛ قاسمی اردهایی و زنگنه، ۱۳۹۶) اما مطالعات انجام‌شده، یا بر داده‌های کلان حاصل از سرشماری‌ها تأکید داشته و یا اینکه تنها یک منطقه خاص از شهر تهران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. از این رو، مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از داده‌های طرحی که با استفاده از ابزار پیمایش، مطالعه‌ای در سطح کل شهر تهران انجام داده است، سعی کرده تا ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فردی را در تحرک و جابجایی افراد مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، هدف اساسی این تحقیق، بررسی وضعیت مهاجرت و اشکال جابجایی (درون‌محله‌ای و بین‌محله‌ای) در محلات شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن است.

چارچوب نظری

جابجایی درون‌شهری^۱ اشاره به تغییر محل سکونت خانوار در درون محدوده قانونی شهر دارد. این جابجایی‌ها به‌منظور تغییر مکان صورت می‌گیرد. این امر، مناطق شهرها را بیش از مهاجرت‌های روستایی-شهری دست‌خوش تغییرات اجتماعی-فضایی نموده است. این جابجایی‌ها که بیشتر به‌دنبال تمایل ساکنین شهر به یافتن فضای مناسب زیستی به تبع تغییر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها صورت می‌گیرد، جغرافیای اجتماعی شهرها را دست‌خوش دگرگونی نموده و جدایی‌گزینی اجتماعی و فرهنگی را حتی در سطح یک منطقه شهری سبب گردیده و به تبع آن انگیزه‌های تغییر محل سکونت را تشدید می‌نماید (صفایی‌پور و سجادی، ۱۳۸۷: ۹۴).

مفهوم تغییر محله، از دیدگاه‌های مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. دو رویکرد

اساسی را می‌توان در این رابطه مورد اشاره قرار داد. رویکرد اکولوژی انسانی^۱ که بر رقابت اقتصادی برای مکان‌های شهری در میان گروه‌های مختلف متمرکز است. در این رویکرد، پاک‌سازی اجتناب‌ناپذیر مسکن‌های فرسوده در محله‌ها یک مفهوم اساسی است. در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم، مدل‌هایی برای تبیین تغییر محله توسعه یافت. اکولوژیست‌های انسانی این مدل‌ها را تعبیه کردند. در درون چارچوب رویکرد اکولوژی انسانی که خود ریشه در مکتب شیکاگو دارد، این‌گونه فرض شد که به دلیل فرسوده و پیر بودن مسکن، محله‌ها رو به افول خواهند گذاشت. بنیانگذاران این جنبش مانند ارنست بورگس^۲ (۱۹۲۵) و رابرت پارک^۳ (۱۹۲۵) مک‌کنزی^۴ (۱۹۲۵) و هویت^۵ (۱۹۳۹)، تغییرات محله‌ای را به‌عنوان نتیجه یک روند طبیعی مبتنی بر انتخاب اقتصادی منطقی ارائه می‌کنند. در این چارچوب، بورگس (۱۹۲۵) اولین کسی است که مدلی را برای تبیین تغییر محله در آمریکا طراحی نمود. وی توسعه محله‌ها را به‌عنوان بخشی از یک فرایند طبیعی قطعی می‌داند. در این مدل، تغییر محله، نتیجه تهاجم (استیلا) و جانشینی است. یک گروه جمعیتی می‌تواند یک منطقه را اشغال نماید (تهاجم/استیلا) و بدین ترتیب، مکان سکونت یک گروه جمعیتی را در اختیار گیرد (جانشینی). وی فرض کرد که محل/منطقه مرکزی شهر بسیار با ارزش است؛ زیرا قابل دسترسی بوده و به دلیل قدرت رقابتی، مشاغل و شرکت‌های صنعتی، این مکان مطلوب را اشغال می‌کنند؛ به طوری که این منطقه به مرکز مهم اشتغال در داخل شهر بدل می‌گردد. بر این اساس، فرض شد که خانوارهای با درآمد پایین ترجیح می‌دهند که محل زندگی‌شان نزدیک محل کارشان باشد؛ درحالی که افراد غنی ترجیح می‌دهند که در محیطی طبیعی ساکن شوند. بنابراین، بورگس توسعه شهر را از طریق رقابت برای ایجاد مناطق متحدالمرکز می‌دید؛ مناطق با فاصله از مرکز شهر به لحاظ تراکم جمعیت کاهش می‌یابند.

با توجه به کار بورگس و بر پایه تحلیل اقتصادی محل سکونت، ویلیام آلونسو^۶ نظریه قیمت-اجاره را توسعه داد. در این رویکرد، مجاورت و هزینه‌ها، ویژگی‌های مرکزی هستند. طبق دیدگاه

-
1. Human Ecology Approach
 2. Burgess
 3. Robert E. Park
 4. McKenzie
 5. Hoyt
 6. Alonso

آلونسو (۱۹۷۲) یک مصرف‌کننده، به دنبال تعادل هزینه رفت و آمد در مقابل مزایای هزینه‌های کمتر سکونتی است (تمکین و رو، ۱۹۹۶ و موت، ۱۹۶۹). از آنجایی که خانواده‌های با درآمد کم، زمین کمتری (مترائ) استفاده می‌کنند؛ آنها به سمت زندگی در مناطق مرکزی که قیمت زمین کمتر است، گرایش می‌یابند. از این رو، تراکم در مرکز شهر افزایش می‌یابد. در نتیجه، در نظریه قیمت-اجاره، تغییر محله، نتیجه تصمیمات اقتصادی فردی است.

در سال ۱۹۳۳، هویت^۳، مدل-بخش را در درون رویکرد اکولوژی انسانی و بر اساس نظریه فیلترینگ (پالودن) توسعه داد. ایده این نظریه بر اساس مدل بورگس استوار است، اما هویت، حرکت خانوارها را به‌طور مستقیم به درآمد آنها مرتبط نمی‌کرد. از منظر او، ترکیبی از شرایط نامساعد مرکز شهر و شکل‌گیری مسکن و تسهیلات جدید در مناطق دورافتاده منجر به مهاجرت می‌گردد. هویت، تمایل مالکان و صاحبخانه‌ها را برای سرمایه‌گذاری در املاک خود به‌عنوان یک علت مهم تغییر محله می‌داند. او بیان می‌کرد که فرسوده شدن مسکن و شکل‌گیری سکونتگاه جدید و با کیفیت بالاتر، برای افراد جذاب خواهد بود. بر خلاف برگس که حرکت از مرکز به حاشیه را غیرجذاب می‌دانست (دفع) هویت این فرایند را بر اساس جذابیت حومه (جذب) تحلیل نمود.

در نهایت، مدل‌های مرزی یا حاشیه‌ای^۴ نیز مدل‌هایی‌اند که در چارچوب رویکرد اکولوژی انسانی قرار می‌گیرند. این مدل‌ها دارای اجزایی از نظریه مهاجم/جانشینی هستند. حرکت به خارج شهر توسط خانواده‌های با درآمد متوسط برای منازل مدرن حاشیه شهر، نتیجه مهاجرت به داخل خانواده‌های کم‌درآمد یا خانواده‌های با گروه‌های قومی/نژادی متفاوت است. به همین ترتیب، انتظار می‌رود که مهاجرت به داخل شهر، بیشتر و بیشتر توسط خانواده‌های با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین مشخص شود. انتقال اقتصادی-اجتماعی یا قومی/نژادی یک محله بر تصمیم‌گیری ساکنان فعلی و بعدی محله تأثیر دارد (پیتکین^۵، ۲۰۰۱ و تمکین و رو، ۱۹۹۶). مهاجرت به خارج از شهر می‌تواند به‌عنوان یک حرکت همه‌گیر^۶ مورد توجه قرار گیرد. این

1. Temkin & Rohe
2. Muth
3. Hoyt
4. Tipping Border
5. Pitkin
6. Pandemic

حرکت ممکن است عواقب بیشتری داشته باشد؛ مانند کاهش ارزش مسکن که می‌تواند باعث هجوم بیشتر خانواده‌های کم‌درآمد شود. در کل، در رویکرد اکولوژی انسانی و نظریات و مدل‌های موجود در آن، عوامل اقتصادی همچون درآمد افراد، قیمت و اجاره منزل مسکونی، ویژگی محله همچون دسترسی به محل کار و مشاغل، جذابیت محیطی محله، کیفیت مسکن و مواردی از این دست، حرکت خانوارها به سمت مناطق مختلف شهر را تفسیر می‌کنند.

رویکرد دوم، رویکرد خرده‌فرهنگی^۱ است که تبیین‌هایی را برای پایداری محله‌ای علی‌رغم عملکرد نیروی اقتصادی فراهم می‌کند. از این‌رو، طرفداران این رویکرد بر اهمیت دلبستگی و پیوستگی محله متمرکز است. فیری^۲ (۱۹۴۷) استدلال می‌کند که انگیزه اصلی خانواده‌ها برای رفتن یا ماندن در یک محل، ممکن است تنها عوامل اقتصادی صرف نباشد. مکانی که در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند روابط احساساتی و نمادین را برانگیزاند که فرد را به محله متصل می‌کند (پیوند می‌زند). آلبرانت و برافی^۳ (۱۹۷۵) چندین متغیر را مشخص نمودند که بر تقاضای مسکن محله اثر می‌گذارد: جنبه‌های جمعیتی، روان‌شناختی، و اجتماعی منطقه. بر اساس این دیدگاه، مشخصه‌های نگرشی اجتماعی در تفسیر دلایل برای تغییرات در شاخص‌های اقتصادی مفید است.

طبق دیدگاه محققان در چارچوب رویکرد خرده‌فرهنگی، محله‌ها در طول زمان مسیر مشابهی را دنبال نمی‌کنند و به همین دلیل محکوم به زوال نیستند (تمکین و رو، ۱۹۹۶). در اینجا چندین موضوع تأثیر گذار قلمداد می‌گردد: اعتماد به نفس، رضایت، تعهد و شبکه اجتماعی. از این منظر، خرده‌فرهنگ‌گرایان تصور می‌کنند که دلبستگی ساکنان به محله خود و اراده آنها برای بهبود منطقه، تعیین‌کننده‌های مهمی برای تغییر یا تثبیت محله‌ای به‌شمار می‌روند (آلبرانت و کانینگهام^۴، ۱۹۷۹). تفکیک روابط اجتماعی می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی و اساسی نزول (کاهش) همسایگی تلقی گردد. همگنی کاهش یافته به تضعیف پیوندهای اجتماعی منجر می‌شود که پایه و اساس یک محله پایدار را نادیده می‌گیرد و افراد ممکن است بیشتر علاقه (یا حتی احساس

1. Subcultural Approach

2. Firey

3. Ahlbrandt & Braphy

4. Ahlbrandt and Cunningham

اجباری بودن) به حرکت داشته باشند (وارادی^۱، ۱۹۸۶؛ کلارک^۲، ۱۹۹۲). به‌طور کلی، رویکرد خرده‌فرهنگی بر اهمیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، چون دلبستگی و پیوستگی به محله یا تعلق به محله تأکید دارد. پیوندهای اجتماعی که فرد با محله ایجاد می‌کند، باعث ماندگاری و مشارکت فرد در محله می‌شود و می‌تواند در آینده محله مؤثر باشد.

در نهایت مدل همانندسازی یا شبیه‌سازی فضایی^۳ مدلی برای تعیین دستیابی به محل زندگی است که برای تحلیل رفتار گروه‌های مختلف قومی / نژادی مورد استفاده قرار گرفته است. افراد سعی در انتخاب محله‌هایی دارند که قبلاً از گروه قومی آنها در آن ساکن شده‌اند.

پیشینه تحقیق

لارنس و رز^۴ (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان دلایل تغییر محل سکونت و حرکت از/ به مناطق مرکزی شهر به این نتایج رسیده‌اند: جابه‌جایی و تغییر محل سکونت، با متغیرهایی از قبیل بعد خانوار، پایگاه اقتصادی - اجتماعی ساکنان محله، دلایل زیبایی شناختی و سلیقه‌ای، نزدیکی به محل کار، محل تحصیل و جز این‌ها مرتبط است.

ویپینگ^۵ (۲۰۰۶)، در تحقیقی با عنوان مهاجرت درون‌شهری و تحرک سکونتی در مناطق شهری چین به نتایج زیر رسید: متغیرهایی از جمله سن و تحصیلات و وضعیت مهاجرت در تحرک سکونتی خانواده‌ها مؤثرند. مهاجرین نسبت به ساکنان محلی ناپایداری سکونتی بیشتری را تجربه کرده‌اند. همچنین مهاجرینی که در ابتدا مسکن عمومی اجاره کرده‌اند، تمایل کمتری به تغییر محل سکونت خود داشته‌اند.

کرودر و همکارانش^۶ (۲۰۰۶) در مطالعه خود در آمریکا، به آزمون این موضوع پرداختند که آیا تفاوت‌های قومی و نژادی در ثروت، تفاوت‌های قومی در تفکیک و جدایی‌سازی سکونتی و دستیابی به منطقه و محله زندگی را تعیین می‌کند؟ یافته‌های مطالعه نشان داد ثروت والدین و خانواده بر تحرکات بین منطقه‌ای و محله‌ای در شهر، اثرات متوسطی دارند. با توجه به مدل طبقه‌بندی مکانی از دستیابی به مکان، اثرات ثروت والدین و خانوار، در میان نژاد سیاه در مقایسه

-
1. Varady
 2. Clark
 3. Spatial Assimilation
 4. Laurence & Ross
 5. Weiping
 6. Crowder et al

با سفیدهای غیربومی قوی تر است.

نظیر^۱ (۲۰۱۵) به بررسی نقش تسلط نسبی یک شهر در مقایسه با شهرهای دیگر برای جذب مهاجران آن شهرها در پاکستان می‌پردازد. وی بیان می‌کند که متغیرهای بازار کار (دستمزدهای مورد انتظار، اشتغال و میزان بیکاری) و سهم اقتصاد منطقه‌ای، اثر معنادار قوی بر جریان‌های مهاجرت درون‌شهری دارد. همچنین، فاصله، همان‌گونه که در مدل جاذبه مورد اشاره است، و سال‌های تحصیل به‌عنوان منعکس‌کننده سرمایه انسانی، اثر مثبت و معنی‌داری بر جریان‌های مهاجرت در شهرها دارد. همچنین جریان‌های مهاجرت درون‌شهری ارتباط معنی‌داری با امکانات مثبت و منفی منطقه یا ناحیه دارد که در چارچوب نظریه‌های موقعیت مکانی مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

ووجیازیدیس و چیهایا^۲ (۲۰۱۸) به زمان و طول دوره‌های سکونت مهاجران بین‌المللی در محله‌های و مناطق شهری سوئد با توجه به سطوح متفاوت فقر پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که ۸۱ درصد از مهاجران به‌طور مداوم در همان محله ساکن هستند و ۱۲ درصد مسیرهایشان را از مناطق محروم شروع و به محله‌های با درآمد بالا (محله‌های متوسط و مرفه) ادامه می‌دهند.

سجادی و احمدی دستجردی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی علل و پیامدهای اجتماعی-فضایی مهاجرت‌های درون‌شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم تهران‌پارس در منطقه ۸ شهرداری تهران) به این نتیجه رسیدند که با شناخت چرایی و چگونگی و پیامدهای این نوع مهاجرت‌ها می‌توان به کاهش نابسامانی‌های اجتماعی - فضایی ناشی از این نوع حرکات در نواحی مختلف شهری کمک نمود. همچنین نتایج دیگر تحقیق آنها نشان داده که علاوه بر نقش‌آفرینی تصمیمات مدیریتی و بخش خصوصی در امر تولید مسکن، تصمیم خانواده‌ها از نواحی مختلف تهران در مهاجرت به این بافت عمدتاً با هدف تغییر در شیوه زندگی و ارتقای پایگاه اجتماعی، صورت گرفته است.

زنگنه و همکارانش (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی روندها و انگیزه‌های مهاجرت‌های درون‌شهری (مطالعه موردی: سبزوار) به موارد زیر اشاره کرده‌اند: یکی از جنبه‌های پویایی شهر،

1. Nazeer

2. Vogiazides & Chihaya

حرکت خانواده‌ها از یک محل مسکونی به سایر محله‌ها در داخل شهر است. این جابه‌جایی‌ها که به دلایل و انگیزه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرند، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و یا تغییر ساختار اجتماعی-فضایی شهر ایفا می‌کنند. نتایج تحقیق آنها نشان داده که بیش از نیمی از خانواده‌های مورد بررسی (۵۶/۴ درصد)، حداقل یک بار محل سکونت خود را در داخل شهر تغییر داده‌اند. بیشترین حجم جابه‌جایی خانواده‌ها در داخل و بین مناطق درآمدی متوسط، متوسط به پایین تا کم‌درآمد صورت گرفته است. البته این جابه‌جایی‌ها همیشه در جهت مثبت یعنی از مناطق درآمدی پایین به سمت مناطق در آمدی بالاتر نبوده، بلکه تحرکات سکونتی معکوس به سوی مناطق درآمدی پایین‌تر نیز وجود داشته است. از دیگر نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی، به‌ویژه سطح درآمد و تحصیلات با چگونگی تحرکات سکونتی خانواده‌ها است. دلایل و انگیزه‌های اقتصادی (بهبود وضعیت مالی یا کاهش درآمد)، سنخیت اجتماعی - اقتصادی و احساس منزلت اجتماعی، نزدیکی به خویشاوندان و آشنایان و محیط ساکت و آرام از مهمترین عوامل مؤثر در انتخاب محل سکونت و تغییر آن توسط خانواده‌ها بوده است.

محمودیان و خواجه نژاد (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی سطح، الگو و تعیین‌کننده‌های مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ به این نتایج رسیدند که مالکیت مسکن، میزان تحصیلات عالی، و قیمت مسکن مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران بوده و نقش تأثیرگذاری در جذب مهاجران به محله‌های مختلف این شهر داشته‌اند.

به‌طور کلی، مرور ادبیات و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در جابجایی‌های سکونتی در شهرها، در قالب عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی قرار دارند. عوامل اجتماعی، خود را در متغیرهایی چون تحصیلات، نزدیکی به خویشاوندان، تعلق و پیوستگی به محله، احساس منزلت اجتماعی و مواردی از این دست نشان می‌دهند. عوامل اقتصادی، اشاره به متغیرهایی چون پایگاه اقتصادی، درآمد و وضعیت و کیفیت مسکن و محیط مسکونی دارند و در متغیرهای جمعیتی عواملی چون سن و بعد خانوار مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در این تحقیق متغیرهای تحصیلات، نزدیکی به خویشاوندان، مدت اقامت، درآمد، وضعیت مسکن، و متغیرهای جمعیتی و اثرات آنها بر جابجایی‌های سکونتی در شهر تهران آزمون می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش با اتکاء به روش «تحلیل ثانویه»، به تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج از طرح «سنجش کیفیت زندگی در شهر تهران»، که توسط «اداره کل مطالعات شهرداری تهران» انجام شده است می‌پردازد. اطلاعات این طرح از ۴۵۰۰۰ نمونه از ۳۳۴ محله واقع در ۲۲ منطقه شهر تهران (کل شهر تهران) و در سال ۱۳۹۵ جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل سرپرستان خانوار بالای ۱۸ سال شهر تهران بوده‌اند. توصیف و تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 24 انجام شده است و جهت مشخص نمودن ارتباط متغیرها و نیز تبیین میزان و نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با توجه به نوع متغیر وابسته (اسمی دو وجهی) از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. متغیر وابسته تحقیق یعنی جابجایی سکونتی، بر اساس محل سکونت قبلی مشخص شده است که جابه‌جایی و تحرک در محله‌ها و مناطق شهر را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

در جدول ۱، ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی نمونه مورد مطالعه ارائه گردیده است. حدود نیمی از پاسخگویان بیان کرده‌اند که دارای خویشاوندانی در محله زندگی خود هستند. متغیر تحصیلات نشان می‌دهد حدود ۳۲ درصد از نمونه مورد مطالعه دارای مدرک دانشگاهی (کاردانی و بالاتر) است و تنها ۶/۳ درصد از پاسخگویان بی‌سواد هستند. مدت زمان اقامت به‌عنوان یکی از متغیرهای مورد بررسی و مهم، بیان‌کننده این است که بیش از ۴۰ درصد از افراد نمونه، اقامتی بیش از ۱۰ سال در محله دارند. متغیر وضعیت منزل مسکونی نشان می‌دهد، ۲۰ درصد از پاسخگویان در منازل با متراژ کمتر از ۶۰ متر و حدود ۲۸ درصد نیز در منازل با متراژ ۶۰-۸۰ متر زندگی می‌کنند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که بیش از ۴۵ درصد از افراد در منازل با متراژ کمتر از ۸۰ متر زندگی می‌کنند. همچنین، ۲۲ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که فرزندی ندارند و میانگین سنی پاسخگویان ۵۰ سال است. علاوه بر این، نزدیک به ۶۵ درصد از پاسخگویان در طبقه متوسط و متوسط پایین قرار می‌گیرند.

بررسی وضعیت جابجایی درون‌شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن ۴۷

جدول ۱: ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی نمونه مورد مطالعه

| متغیر | درصد | متغیر | درصد |
|---------------------|-------|-------------------|-------|
| خویشاوندان | | | |
| بدون خویشاوند | ۴۹/۷ | مدت زمان اقامت | |
| ۱ تا ۲ خویشاوند | ۲۹/۵ | ۱ تا ۲ سال | ۱۷/۸ |
| ۳ تا ۵ خویشاوند | ۱۴/۶ | ۳ تا ۵ سال | ۱۸/۱ |
| ۶ تا ۱۰ خویشاوند | ۵ | ۶ تا ۱۰ سال | ۱۸/۱ |
| بیش از ۱۰ خویشاوند | ۱/۲ | ۱۰ تا ۲۰ سال | ۲۰/۵ |
| تعداد کل | ۴۴۸۷۸ | بیش از ۲۰ سال | ۲۵/۴ |
| سطح تحصیلات | | | |
| بی‌سواد | ۶/۳ | تعداد کل | ۴۴۹۴۰ |
| ابتدایی | ۱۳/۷ | میزان درآمد | |
| راهنمایی و دبیرستان | ۱۵/۷ | فقیر | ۲۵/۷ |
| دیپلم | ۳۲/۶ | متوسط پایین | ۴۶/۴ |
| دانشگاهی | ۳۱/۷ | متوسط | ۱۸/۱ |
| تعداد کل | ۴۳۹۹۸ | بالا | ۹ |
| سن | | | |
| ۱۸-۳۰ سال | ۶/۳ | خیلی بالا | ۰/۹ |
| ۳۱-۴۰ سال | ۲۰/۷ | تعداد کل | ۳۶۹۵۰ |
| ۴۱-۵۰ سال | ۲۴ | متراژ منزل مسکونی | |
| ۵۱-۶۰ سال | ۲۴/۷ | کمتر از ۶۰ متر | ۲۰/۶ |
| بالای ۶۰ سال | ۲۴/۲ | ۶۰-۸۰ متر | ۲۷/۸ |
| تعداد کل | ۴۴۳۲۵ | ۹۰-۱۰۰ متر | ۲۰/۱ |
| تعداد فرزند | | | |
| فرزندی ندارد | ۲۲/۳ | ۱۰۱-۱۵۰ متر | ۲۲ |
| ۱-۲ فرزند | ۶۲ | ۱۵۰ متر و بالاتر | ۹/۵ |
| ۳-۴ فرزند | ۱۱/۷ | تعداد کل | ۴۲۹۳۷ |
| ۵ فرزند و بالاتر | ۰/۸ | تعداد فرزند | |
| تعداد کل | ۴۳۵۸۱ | فرزندی ندارد | ۲۲/۳ |
| | | ۱-۲ فرزند | ۶۲ |
| | | ۳-۴ فرزند | ۱۱/۷ |
| | | ۵ فرزند و بالاتر | ۰/۸ |
| | | تعداد کل | ۴۳۵۸۱ |

وضعیت مهاجرت در شهر تهران با توجه به متغیر محل سکونت قبلی در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس متغیر محل سکونت قبلی، مشخص می‌گردد که جابه‌جایی و تحرک در محله‌ها و مناطق شهر و نیز جریان‌های مهاجرتی به شهر تهران از بیرون چگونه است. ارقام جدول بیان می‌کند که حدود ۲۳ درصد از افراد مورد بررسی، در محله یا منطقه خود جابه‌جا شده‌اند و ۳۸ درصد از جابه‌جایی‌ها مربوط به جابه‌جایی‌های بین منطقه‌ای در شهر تهران است. علاوه بر این، ۱۰ درصد از جابه‌جایی‌ها به مهاجرانی مرتبط می‌شود که از شهر/استان و یا خارج از کشور به تهران وارد شده‌اند. همچنین، ۷ درصد از نمونه مورد مطالعه را افرادی شامل می‌گردد که از زمان تولد تاکنون تغییری را در وضعیت سکونت خود تجربه ننموده‌اند و در همان خانه زمان تولد ساکن هستند. بنابراین، به‌طور کلی، ۸۳ درصد از نمونه یکی از انواع جابه‌جایی‌های درون‌شهری (جابه‌جایی درون‌محله‌ای، جابه‌جایی بین‌محله‌ای، جابه‌جایی بین منطقه‌ای) را تجربه نموده‌اند و به نظر می‌رسد جابه‌جایی بین منطقه‌ای از عمومیت بیشتری برخوردار است.

جدول ۲: توزیع نسبی پاسخگویان بر اساس محل سکونت قبلی

| محل سکونت قبلی | تعداد | درصد |
|-----------------------------------|--------|------|
| از زمان تولد در همین خانه بوده‌ام | ۳۲۴۴ | ۷/۲ |
| مکان دیگر در این محله | ۱۰۱۱۶۹ | ۲۲/۷ |
| محله دیگر در این منطقه | ۹۹۰۲ | ۲۲/۱ |
| منطقه‌ای دیگر در تهران | ۱۷۱۶۴ | ۳۸/۳ |
| شهر/کشور دیگر | ۴۳۱۰ | ۹/۶ |
| کل | ۴۴۷۸۹ | ۱۰۰ |

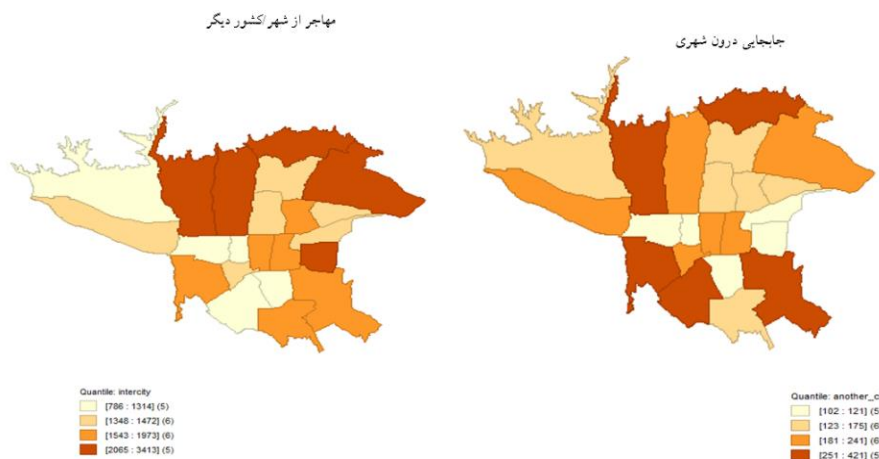
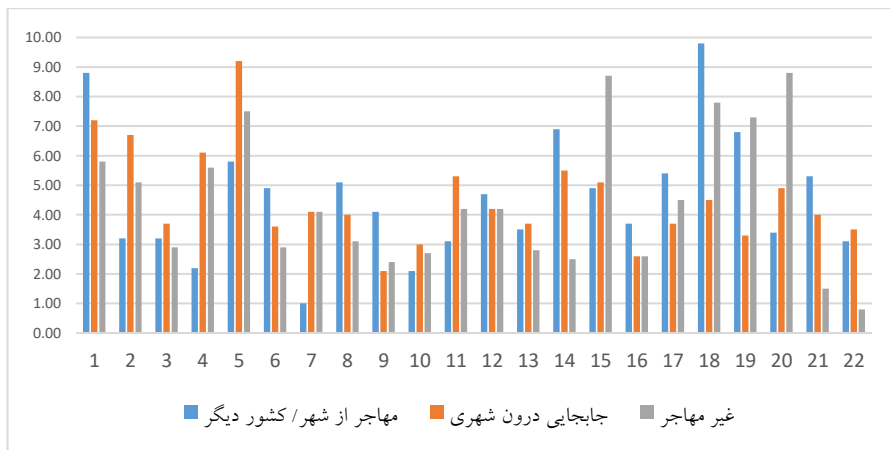
نمودار ۱، توزیع نسبی پاسخگویان را با توجه به وضعیت مهاجرتی (غیرمهاجر، مهاجران درون‌شهری، و مهاجران از شهر/کشور دیگر) در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را نشان می‌دهد. نسبت افرادی که تا کنون محل زندگی/سکونت خود را تغییر نداده‌اند، در مناطق ۲۰، ۱، ۱۸ و ۱۴، در مقایسه با دیگر مناطق بیشتر است. توزیع نسبی جابه‌جایی‌های درون‌شهری تهران، تغییر محل سکونت در یک محله، تغییر محل سکونت بین محله‌ای در یک منطقه، و تغییر منطقه، بیان‌کننده این است که در مناطق ۵، ۱، ۲، ۴، ۱۴، ۱۱ بیشترین جابه‌جایی‌های درون‌شهری رخ

۴۹ بررسی وضعیت جابجایی درون شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن

داده است. تغییر محل سکونت به صورت وارد شده از شهر یا کشور دیگر، نوعی دیگر از جابه جایی های جمعیتی مورد توجه بوده است. بر این اساس، مناطق ۱۸، ۱۵، ۵ و ۱۹ در مقایسه با دیگر مناطق، بیشترین جذب را در ارتباط با این مناطق داشته اند.

نمودار ۱: توزیع نسبی مهاجرت و جابجایی بر اساس وضعیت مهاجرتی / جابجایی در مناطق

۲۲ گانه شهر تهران



شکل ۱: پراکنش وضعیت مهاجرتی / جابجایی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

جدول ۳، وضعیت مهاجرت و اشکال جابه‌جایی نمونه مورد بررسی را با توجه به متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی آنها نشان می‌دهد. درآمد و وضعیت منزل مسکونی به لحاظ مترآژ، به‌عنوان متغیرهای اقتصادی، بیان‌گر این است که اگرچه جابه‌جایی بین منطقه‌ای برای افراد فقیر در مقایسه با دیگر انواع جابه‌جایی‌ها عمومیت بیشتری دارد، اما ۹ درصد از این افراد محل زندگی خود را تغییر نداده و در همان محل تولد خود زندگی می‌کنند که در مقایسه با دیگر سطوح درآمد، درصد بالاتر و قابل توجهی است. از طرفی، متغیر درآمد بیانگر این است که حدود ۱۳ درصد از افرادی که از شهر/کشور دیگر وارد تهران شده‌اند به لحاظ درآمدی، فقیر و در این مورد نیز آمار بالاتری در مقایسه با سطوح درآمدی دیگر وجود دارد. همچنین برای طبقه متوسط، الگوی تحرک، جابه‌جایی بین منطقه‌ای است و این نوع جابه‌جایی برای این طبقه درآمدی عمومیت بالاتری دارد. این الگو را می‌توان برای افراد با درآمد بالا و نیز خیلی بالا مشاهده نمود. در میان افراد با درآمد خیلی بالا، افرادی که محل تولد خود را تغییر نداده‌اند یا از شهر/کشور دیگر به شهر تهران وارد شده‌اند بسیار کمتر است. وضعیت منزل مسکونی به لحاظ مترآژ به‌عنوان متغیر اقتصادی دیگر نیز نشان‌دهنده این است که ۱۴/۵ درصد از افرادی که از شهر/کشور دیگر به شهر تهران وارد شده‌اند، مسکنی کمتر از ۶۰ متر دارند. جابه‌جایی‌های بین منطقه‌ای برای افرادی که مترآژ منزل مسکونی آنها بالاتر از ۱۰۰ متر است، بیشتر است اما برای جابه‌جایی‌های درون محله‌ای، عمومیت برای افرادی است که منزل مسکونی آنها کمتر از ۸۰ متر مربع است. قابل ذکر است، در ارتباط با جابه‌جایی‌های بین محله‌ای در یک منطقه، نمی‌توان الگوی شفاف و واضحی ارائه نمود.

سطح تحصیلات و داشتن/نداشتن خویشاوند در محله، دو متغیر اجتماعی ارائه شده در جدول ۳ هستند. همانطور که مشاهده می‌شود، حدود ۲۱ درصد از افراد با تحصیلات کمتر از ابتدایی، کسانی هستند که در محل تولد خود باقی مانده‌اند. از طرفی، جابه‌جایی‌های بین محله‌ای در یک منطقه و نیز بین منطقه‌ای برای افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، بیشتر رخ می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر در رابطه با تحصیلات و نوع مهاجرت این است که مهاجرانی که از شهر/کشور دیگر وارد تهران شده‌اند عموماً دارای تحصیلات پایین هستند. ارتباط تعداد خویشاوندان و الگوی جابه‌جایی پاسخگویان، بیان‌کننده این است که ۵ درصد از افرادی که دارای خویشاوندی نبوده‌اند در محل تولد خود باقی مانده‌اند. درحالی‌که درصد قابل توجهی از

۵۱ بررسی وضعیت جابجایی درون‌شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن

جاب‌جایی بین‌منطقه‌ای (۴۴ درصد) و جاب‌جایی از یک محله به محله دیگر در یک منطقه (۲۲ درصد) برای این گروه از افراد رخ داده است. این روند برای افراد، با افزایش تعداد خویشاوندان در محله شکلی عکس به خود می‌گیرد. این به این معنا است که ماندگاری در محل تولد برای افرادی بالاتر خواهد بود که تعداد خویشاوندان بیشتری در محله خود دارند. به نظر می‌سد هر چه تعداد خویشاوندان در محله بالاتر باشد، وابستگی و دلبستگی افراد به محله مورد نظر افزایش یافته و در نتیجه احتمال جاب‌جایی و ترک آن محله کاهش می‌یابد.

متغیرهای سن، تعداد فرزند و مدت اقامت در محله، به‌عنوان متغیرهای جمعیتی، در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به متغیر سن می‌توان بیان کرد که با افزایش سن، احتمال جاب‌جایی افراد کمتر است. ۱۶ درصد از افرادی که بالای ۵۰ سال دارند، محل تولد خود را تغییر نداده‌اند و به نظر می‌رسد در آینده نیز چنین تجربه‌ای نخواهند داشت درحالی‌که در سنین پایین، این درصد کمتر است. اما برای تمامی گروه‌های سنی، الگوی جاب‌جایی بین‌منطقه‌ای در مقایسه با الگوهای جاب‌جایی دیگر، عمومیت بیشتری دارد. نکته قابل‌توجه اینکه مهاجران از شهر/کشور دیگر به شهر تهران عموماً در سنین کمتر از ۴۰ سالگی قرار دارند. متغیر تعداد فرزند نیز بیان‌گر این است که ۱۱ درصد از افرادی که ۵ فرزند و بالاتر داشته‌اند، محل سکونت خود را تغییر نداده‌اند درحالی‌که ۷ درصد از افرادی که فرزندی نداشته یا کمتر از دو فرزند داشته‌اند، محل سکونت خود را تغییر نداده‌اند؛ اما نمی‌توان الگوی خاص دیگری برای سن و انواع جریان‌های مهاجرتی دیگر در شهر تهران ارائه نمود. میزان ارتباط دو متغیر نیز نشان می‌دهد که اگرچه ارتباط معنی‌دار است اما رابطه قوی بین دو متغیر وجود ندارد.

مدت زمان اقامت به‌عنوان متغیر جمعیتی دیگر نشان می‌دهد، اقامت بیشتر فرد در یک محله، احتمال جاب‌جایی او را در آینده کاهش می‌دهد. حدود ۲۶ درصد از افرادی که بیش از ۱۰ سال در یک محل زندگی می‌کنند، محل زندگی خود را تغییر نداده‌اند. همچنین جاب‌جایی از یک منطقه به منطقه دیگر تهران برای افراد با سابقه بیش از ۲۰ سال زندگی در یک محله، در مقایسه با دیگران، پایین‌تر است.

جدول ۳: وضعیت مهاجرتی پاسخگویان بر اساس متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی

| وضعیت مهاجرتی نمونه در شهر تهران | | | | | | |
|----------------------------------|--|-------------------|--------------------|---------------------|---------------|-------|
| کل | بدون جابه‌جایی | مکان دیگر در محله | محله دیگر در منطقه | منطقه دیگر در تهران | شهر/کشور دیگر | |
| خویشاوندان در محله | | | | | | |
| بدون خویشاوند | ۴/۹ | ۱۹/۲ | ۲۱/۸ | ۴۴/۳ | ۹/۸ | ۲۲۲۳۰ |
| ۱ تا ۲ خانواده | ۷/۲ | ۲۴/۴ | ۲۳/۳ | ۳۶ | ۹/۱ | ۱۳۱۷۱ |
| ۳ تا ۵ خانواده | ۱۱ | ۲۸/۱ | ۲۱/۹ | ۲۹ | ۱۰ | ۶۵۳۸ |
| ۶ تا ۱۰ خانواده | ۱۶/۱ | ۳۰/۴ | ۲۱/۵ | ۲۳/۱ | ۹ | ۲۲۲۲ |
| بیشتر از ۱۰ | ۲۳/۷ | ۲۷/۶ | ۱۵/۵ | ۲۰/۷ | ۱۲/۵ | ۵۳۶ |
| آماره | <i>Phi&Cramer,s V=0.289**chi-squer=31.12**</i> | | | | | |
| مدت زمان اقامت | | | | | | |
| ۱ تا ۲ سال | ۰/۶ | ۲۲/۶ | ۲۴/۹ | ۳۹/۹ | ۱۲ | ۷۹۸۲ |
| ۳ تا ۵ سال | ۱/۲ | ۲۴/۶ | ۲۶ | ۴۰/۷ | ۷/۵ | ۸۱۱۴ |
| ۶ تا ۱۰ سال | ۱/۶ | ۲۲/۶ | ۲۵/۸ | ۴۱/۷ | ۸/۳ | ۸۱۰۲ |
| ۱۰ تا ۲۰ سال | ۳/۹ | ۲۲/۲ | ۲۲/۲ | ۴۲/۶ | ۹/۱ | ۹۱۷۶ |
| بیش از ۲۰ سال | ۲۲/۹ | ۲۱/۹ | ۱۴/۷ | ۲۹/۷ | ۱۰/۸ | ۱۱۳۶۶ |
| آماره | <i>Phi&Cramer,s V=0.469** chi- square=24.5**</i> | | | | | |
| سن | | | | | | |
| ۱۸-۳۰ سال | ۶/۹ | ۲۱/۳ | ۱۸/۸ | ۳۴/۷ | ۱۸/۱ | ۲۸۰۶ |
| ۳۱-۴۰ سال | ۶/۳ | ۲۴/۱ | ۲۲/۱ | ۳۵/۸ | ۱۱/۶ | ۹۱۵۶ |
| ۴۱-۵۰ سال | ۶/۴ | ۲۴ | ۲۳/۹ | ۳۷/۸ | ۷/۹ | ۱۰۶۰۷ |
| ۵۱-۶۰ سال | ۷/۲ | ۲۲/۴ | ۲۲/۲ | ۴۰/۲ | ۸ | ۱۰۸۶۸ |
| بالای ۶۰ سال | ۹/۲ | ۲۱/۱ | ۲۱ | ۳۹/۶ | ۹/۱ | ۱۰۶۸۷ |
| آماره | <i>Phi&Cramer,s V=0.207** chi-square=26.4**</i> | | | | | |
| تعداد فرزند | | | | | | |
| فرزندی ندارد | ۷/۲ | ۲۱/۳ | ۲۱/۳ | ۳۹/۵ | ۱۰/۷ | ۹۹۷۴ |
| ۱-۲ فرزند | ۷/۱ | ۲۲/۹ | ۲۲/۹ | ۳۸ | ۹/۱ | ۲۷۷۹۱ |
| ۳-۴ فرزند | ۸/۴ | ۲۴ | ۲۲/۳ | ۳۵/۲ | ۱۰/۱ | ۵۲۶۷ |
| ۵ فرزند و بالاتر | ۱۰/۹ | ۲۶/۵ | ۲۰/۹ | ۳۰/۶ | ۱۱/۲ | ۳۴۰ |
| آماره | <i>Phi&Cramer,s V=0.088** chi-square=11.8**</i> | | | | | |
| تحصیلات | | | | | | |
| بی سواد | ۱۱/۳ | ۲۶/۸ | ۲۰/۳ | ۲۵/۷ | ۱۵/۹ | ۲۷۷۶ |
| ابتدایی | ۹/۴ | ۲۵/۹ | ۲۱/۵ | ۳۰/۹ | ۱۲/۴ | ۵۹۷۹ |
| راهنمایی و دبیرستان | ۸/۴ | ۲۴/۸ | ۲۲/۷ | ۳۳/۱ | ۱۱ | ۶۸۷۰ |
| دیپلم | ۶/۹ | ۲۳/۵ | ۲۲/۹ | ۳۸/۶ | ۸/۱ | ۱۴۲۶۴ |
| دانشگاه | ۵/۴ | ۱۸/۷ | ۲۲/۱ | ۴۵/۶ | ۸/۲ | ۱۳۸۹۲ |
| آماره | <i>Phi&Cramer,s V=0.254** 30.4**</i> | | | | | |

| درآمد | | | | | | |
|--|------|------|------|------|-----|----------------|
| ۹۴۴۴ | ۱۳/۳ | ۳۱ | ۲۰/۸ | ۲۵/۸ | ۹/۱ | فقیر |
| ۱۷۰۵۷ | ۱۰/۱ | ۳۶/۷ | ۲۳/۱ | ۲۳/۲ | ۷ | متوسط پایین |
| ۶۶۴۳ | ۷/۲ | ۴۴/۸ | ۲۰/۷ | ۲۱/۱ | ۶/۲ | متوسط |
| ۳۳۱۵ | ۷/۳ | ۴۸ | ۲۰/۹ | ۱۸/۶ | ۵/۲ | بالا |
| ۳۱۵ | ۶/۷ | ۴۵/۱ | ۲۴/۴ | ۱۹ | ۴/۸ | خیلی بالا |
| Phi&Cramer,s V=0.234** chi-square=27.8** | | | | | | آماره |
| متر از منزل مسکونی | | | | | | |
| ۸۷۹۸ | ۱۴/۵ | ۳۰/۴ | ۲۱/۲ | ۲۶/۹ | ۶/۹ | کمتر از ۶۰ متر |
| ۱۱۸۶۶ | ۹/۹ | ۳۴/۷ | ۲۳/۲ | ۲۵ | ۷/۲ | ۶۰-۸۰ متر |
| ۸۵۸۵ | ۸ | ۴۰/۳ | ۲۱/۵ | ۲۲/۶ | ۷/۶ | ۹۰-۱۰۰ متر |
| ۹۴۱۶ | ۷/۴ | ۴۵/۱ | ۲۲/۴ | ۱۸/۵ | ۶/۶ | ۱۰۱-۱۵۰ متر |
| ۴۰۷۲ | ۶/۹ | ۴۵/۶ | ۲۲/۱ | ۱۶/۹ | ۸/۵ | بیش از ۱۵۰ متر |
| Phi&Cramer,s V=0.249** chi-square=29.5** | | | | | | آماره |

اثرگذاری متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی بر احتمال جابه‌جایی افراد در شهر تهران بر اساس دو نوع جابه‌جایی (جابه‌جایی درون‌محله‌ای و جابه‌جایی بین‌محله‌ای) در جداول ۴ و ۵ و بر اساس رگرسیون لجستیک دووجهی ارائه شده است. متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد، مدت زمان اقامت، تعداد فرزند، متر از منزل مسکونی، تعداد خویشاوندان در محله یا همسایگی از جمله متغیرهای مورد نظر در این مطالعه بوده است. در جابه‌جایی درون‌محله‌ای با توجه به معنادار نبودن اثرگذاری متغیرهای درآمد و تحصیلات، از تحلیل کنار گذاشته شد و در جابه‌جایی بین‌محله‌ای نیز علاوه بر متغیرهای تحصیلات و درآمد، متغیر تعداد فرزند و متر از منزل مسکونی نیز اثرگذاری معنادار نداشت و از آن صرف‌نظر گردید. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴ و ۵، با احتمال ۸۴٫۲ درصد و ۸۴٫۲ درصد با استفاده از متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مدل‌های ارائه شده قادر هستند تغییرات متغیر وابسته یعنی احتمال جابه‌جایی در دو سطح درون‌محله و بین‌محله‌ای را تبیین نمایند. از این‌رو، مدل‌ها مناسب و از برازش لازم برخوردار است. ضرایب تعیین نیز نشان می‌دهند، در مدل اول متغیرهای مستقل ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و در مدل دوم نیز ۵۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته تبیین شده است. با توجه به ضرایب تعیین در جدول ۴، می‌توان بیان نمود که تغییرات ضریب تعیین با ورود متغیر سن، در مقایسه با سایر متغیرها بیشتر است. همچنین در احتمال جابه‌جایی بین‌محله‌ای نیز متغیر سن در مقایسه با دیگر متغیرهای مدل، اثرگذاری بیشتری بر ضریب تعیین دارد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک دو وجهی از تأثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی بر احتمال جابه‌جایی درون‌محله‌ای در شهر تهران

| احتمال جابه‌جایی درون‌محله‌ای | | | | | | | | | |
|-------------------------------|------------|----------------|------------|----------------|------------|----------------|------------|----------------|------------------|
| مدل ۵ | | مدل ۴ | | مدل ۳ | | مدل ۲ | | مدل ۱ | |
| نسبت- بختها | آماره‌والد | نسبت- بختها | آماره‌والد | نسبت- بختها | آماره‌والد | نسبت- بختها | آماره‌والد | نسبت- بختها | آماره- والد |
| مدت زمان اقامت | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | |
| ۱۸/۱ | **۵۲/۷ | ۱۴/۲ | **۵۲/۲ | ۹/۸ | **۴۱/۱ | ۱۶/۷ | **۳۲/۱ | ۱۰/۱ | **۱۰/۶ |
| | **۲۹/۵ | | **۲۹/۳ | | **۶۰/۶ | ۱۳/۵ | **۴۱/۸ | **۱۴/۷ | |
| ۱۳/۴ | **۲۴/۵ | ۸/۴ | **۲۹/۳ | ۸/۱ | **۴۳/۱ | ۸/۶ | **۱۸/۹ | ۹/۴ | **۳۵/۷ |
| ۹/۱ | **۴۱/۸ | ۳/۱ | **۱۸/۶ | ۵/۶ | **۷۲/۱ | ۴/۳ | **۲۱/۱ | ۲/۳ | **۴۰/۱ |
| ۴/۲ | Ⓡ | ۱/۵ | **۶/۸ | ۱/۲ | Ⓡ | | Ⓡ | ۱/۰۱ | Ⓡ |
| پیش از ۲۰ سال | | | | | | | | | |
| سن سرپرست | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | |
| | | | **۵۱/۹ | | **۵۶/۵ | | **۵۱/۵ | | |
| ۳/۴ | **۵۴/۳ | ۴/۳ | **۵۸/۱ | ۴/۱ | **۶۵/۶ | ۳/۲ | **۴۲/۳ | | ۳۰-۱۸ ساله |
| ۲/۷ | **۵۳/۳ | ۲/۱ | **۳۳/۱ | ۳ | **۳۷/۶ | ۲/۱ | **۲۵/۸ | | ۴۰-۳۱ ساله |
| ۰/۶۶ | **۲۵/۶ | ۰/۶۳ | **۳/۸ | ۰/۸۵ | **۴/۵۵ | ۰/۸۶ | **۱۷/۱ | | ۵۰-۴۱ ساله |
| ۰/۸۹ | **۲۵/۶ | ۰/۸۶ | Ⓡ | ۰/۸۷ | Ⓡ | ۰/۹۱ | Ⓡ | | ۶۰-۵۱ ساله |
| بالای ۶۰ ساله | | | | | | | | | |
| متراژ منزل مسکونی | | | | | | | | | |
| | | | **۱۰/۵ | | **۱۰/۶ | | | | |
| ۱/۵ | **۱۰/۴ | ۱/۴۲ | **۴/۱ | ۱/۴ | **۴/۳ | | | | کمتر از ۶۰ متر |
| ۱/۳ | **۳/۹ | ۱/۲ | ns۱/۷ | ۱/۲ | ns۱/۷ | | | | ۶۰-۸۰ متر |
| ۱/۱ | ns۱/۶ | ۱/۱ | ns۱/۰۲ | ۱/۱ | ns۱/۱۵ | | | | ۹۰-۱۰۰ متر |
| ۱/۱ | Ⓡ | ۱/۱ | Ⓡ | ۱/۱ | Ⓡ | | | | ۱۰۱-۱۵۰ متر |
| پیش از ۱۵۰ متر | | | | | | | | | |
| خویشاوندان در محله | | | | | | | | | |
| | | | **۷/۶ | | | | | | |
| ۳ | **۷/۴ | ۴/۲ | **۸/۹ | | | | | | بدون خویشاوند |
| ۲/۱ | **۸/۸ | ۳/۱ | **۵/۱ | | | | | | ۱-۲ خانواده |
| ۰/۸۸ | **۵/۱ | ۱ | ns۲/۸ | | | | | | ۳-۵ خانواده |
| ۱/۳ | ns۲/۹ | ۰/۸۸ | Ⓡ | | | | | | ۶-۱۰ خانواده |
| بیشتر از ۱۰ خانواده | | | | | | | | | |
| تعداد فرزند | | | | | | | | | |
| | **۶/۷ | | | | | | | | فرزندی ندارد |
| ۱/۱ | **۸/۲ | | | | | | | | ۱-۲ فرزند |
| ۱/۲ | ns۰/۲۶۹ | | | | | | | | ۳-۴ فرزند |
| ۰/۹ | Ⓡ | | | | | | | | ۵ فرزند و بالاتر |
| 1.02** | | 3.57** | | 0.840** | | 2.67** | | 1.97** | |
| <i>B Constant</i> | | | | | | | | | |
| ۸۴ | | ۷۹ | | ۷۸/۹ | | ۷۸/۹ | | ۷۷ | |
| <i>Correct predicted (%)</i> | | | | | | | | | |
| ۴۱/۳ | | ۳۸/۳ | | ۳۷/۸ | | ۳۷/۲ | | ۲۴/۱ | |
| <i>Pseudo R2(%)</i> | | | | | | | | | |

در مدل اول جدول ۴، احتمال جابه‌جایی افراد با توجه به مدت اقامت در یک خانه یا یک کوچه، بیان‌گر این است که احتمال جابه‌جایی برای افرادی که مدت زمان بیشتری در یک خانه بوده‌اند، کمتر است. از این‌رو، احتمال جابه‌جایی برای افرادی که ۱-۲ سال در یک خانه یا کوچه بوده‌اند، ۱۰ برابر بیشتر از افرادی است که اقامت طولانی مدت بیشتر از ۲۰ سال داشته‌اند و افرادی که مدت اقامت آنها ۱۰-۲۰ سال بوده است، بیشتر از گروه مرجع یعنی سکونت بیشتر از ۲۰ سال است. متغیر مدت اقامت، ۲۴ درصد از تغییرات احتمال جابه‌جایی درون‌محله‌ای را تبیین می‌نماید. با ورود متغیر سن در مدل دوم، ضریب تعیین افزایش قابل ملاحظه‌ای دارد و بیان‌گر اثرگذاری متغیر سن بر احتمال جابه‌جایی افراد است. بر این اساس، احتمال جابه‌جایی افراد واقع در گروه سنی ۱۸-۳۰ و نیز ۳۱-۴۰ ساله در مقایسه با افراد بالای ۶۰ سال به ترتیب سه و دو برابر است. بنابراین، هرچه افراد سن کمتری داشته باشند، احتمال جابه‌جایی آنها در درون محله‌ها بیشتر خواهد بود. وضعیت مسکن به‌عنوان متغیر اقتصادی در مدل سوم وارد شده است. بر اساس مترائ منزل مسکونی، احتمال جابه‌جایی افرادی که مترائ منزل آنان کمتر از ۸۰ متر است، بیشتر از افراد با مسکن دارای مترائ بالاتر است. دو متغیر تعداد خویشاوندان در مجاورت افراد و نیز تعداد فرزند نشان می‌دهد، احتمال جابه‌جایی افرادی که خویشاوندان کمتری در مجاورت خود دارند (در کوچه یا آپارتمان یا فاصله بسیار کم زمانی) و نیز افرادی دو یا کمتر فرزند دارند در مقایسه با دیگر افراد بیشتر است.

با توجه به نتایج جدول ۵، با ورود متغیر مدت زمان اقامت در مدل اول، ۴۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی احتمال جابه‌جایی بین‌محله‌ای تبیین می‌گردد و مهمترین متغیر در تبیین متغیر وابسته است. بنابراین، هر چه تعداد سال‌های حضور افراد در یک محله بیشتر باشد، با توجه به شکل‌گیری احساس تعلق به محله که با توجه به زمان سپری شده در یک مکان حاصل می‌گردد، احتمال جابه‌جایی کمتر خواهد بود. بر این اساس، افرادی که ۱ تا ۲ سال در یک محله بوده‌اند، احتمال جابه‌جایی آنها بیش از ۱۰ برابر بیشتر از افرادی است که زمان حضور آنها در محله بیشتر از ۲۰ سال است. در مدل دوم که متغیر سن به‌عنوان یک متغیر اثرگذار وارد می‌شود، ضریب تعیین نیز افزایش می‌یابد. بر اساس متغیر سن، احتمال جابه‌جایی افرادی که در سنین پایین‌تر قرار دارند بیشتر از افرادی است که در سنین بالاتر قرار دارند. احتمال جابه‌جایی افراد ۱۸-۳۰ ساله، ۵ برابر بیشتر از افرادی است که بالای ۶۰ سال هستند. متغیر تعداد

خویشاوندان در محله، به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار در مدل سوم وارد شده است و اثر معناداری در جابه‌جایی بین محله‌های دارد، بر این اساس، افرادی که از تعداد خویشاوند کمتری در هر محله برخوردارند، با احتمال بیشتری محله‌های سکونت خود را تغییر می‌دهند.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک دو وجهی از تأثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و

جمعیتی بر احتمال جابه‌جایی بین محله‌ای شهر تهران

| احتمال جابه‌جایی بین محله‌ای | | | | | |
|------------------------------|------------|---------------|------------|---------------|------------------------------|
| مدل ۳ | | مدل ۲ | | مدل ۱ | |
| نسبت‌بخت‌ها | آماره والد | نسبت‌بخت‌ها | آماره‌والد | نسبت‌بخت‌ها | آماره‌والد |
| مدت زمان اقامت | | | | | |
| | | | | | |
| ۸/۲ | **۶۵/۷ | ۱۴/۱ | **۶۸/۱ | ۱۲/۳ | **۳۶/۱ |
| | | | | | ۲-۱ سال |
| ۷/۴ | **۸۵/۱ | ۱۲/۳ | **۵۴/۰ | ۹/۴ | **۲۹/۳ |
| | | | | | ۵-۳ سال |
| ۵/۲ | **۹۰/۶ | ۹/۸ | **۴۳/۶ | ۸/۳ | **۲۰/۵ |
| | | | | | ۶-۱۰ سال |
| ۲/۴ | **۸۶/۴ | ۳/۲ | **۳۶/۳ | ۴/۲ | **۳۸/۲ |
| | ® | | ® | | ® |
| | | | | | ۲۰-۱۰ سال |
| | | | | | بیش از ۲۰ سال |
| سن سرپرست | | | | | |
| | | | | | |
| ۷/۱ | **۹۴/۷ | ۵/۱ | **۸۸/۱ | | |
| | | | | | ۱۸-۳۰ ساله |
| ۵/۴ | **۹۰/۳ | ۴/۴ | **۷۳/۴ | | |
| | | | | | ۳۱-۴۰ ساله |
| ۲/۱ | **۴۶/۸ | ۲/۱ | **۵۶/۱ | | |
| | | | | | ۴۱-۵۰ ساله |
| ۰/۸ | **۵/۶ | ۱/۱ | **۴۳/۸ | | |
| | ® | | ® | | |
| | | | | | ۵۱-۶۰ ساله |
| | | | | | بالای ۶۰ ساله |
| خویشاوندان در محله | | | | | |
| | | | | | |
| ۲/۶ | **۲۱/۸ | | | | |
| | | | | | بدون خویشاوند |
| ۲/۷ | **۲۳/۷ | | | | |
| | | | | | ۱-۲ خانواده |
| ۱/۹ | **۱۰/۲ | | | | |
| | | | | | ۳-۵ خانواده |
| ۱/۷ | **۶/۱ | | | | |
| | ® | | | | |
| | | | | | ۶-۱۰ خانواده |
| | | | | | بیشتر از ۱۰ خانواده |
| 1.10** | | 1.96** | | 2.26** | B Constant |
| ۸۳/۵ | | ۸۳/۱ | | ۸۱ | Correct predicted (%) |
| ۴۸/۸ | | ۴۸/۴ | | ۴۶/۱ | Pseudo R2(%) |

بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل مسائل شهری ایران و از چشم‌انداز مهاجرتی و تحرکات سکونتی، تاکنون بیشترین تأکید بر روی مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است و بنابراین به تحرکات و جابجایی‌های درون‌شهری توجه کافی نشده است. درحالی‌که این جابجایی‌های درون‌شهری بر ساختار اجتماعی-فضایی نواحی شهری اثرگذارند و در حال افزایش بوده و همچنین دارای قانونمندی خاص خود هستند. بنابراین، به‌منظور پایداری شهری، توجه به این جابجایی‌ها برای دستیابی به راهبردهای مناسب در برنامه‌ریزی شهری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جابجایی‌های بین‌منطقه‌ای و بعد از آن جابجایی‌های درون‌منطقه‌ای و درون‌محله‌ای، از مهمترین انواع جابجایی‌ها در شهر تهران بوده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که به‌طور کلی، ۸۳ درصد از افراد نمونه، یکی از انواع جابه‌جایی‌های درون‌شهری (جابه‌جایی درون‌محله‌ای، جابه‌جایی بین‌محله‌ای، جابه‌جایی بین‌منطقه‌ای) را در شهر تهران تجربه نموده‌اند و به نظر می‌رسد که جابه‌جایی بین‌منطقه‌ای در تهران از عمومیت بیشتری برخوردار است. از این رو، می‌توان گفت که جابجایی و تحرک سکونتی یکی از ارکان مهم در زندگی افراد در شهرهای بزرگ شده است.

نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که نسبت افرادی که تاکنون محل زندگی/سکونت خود را تغییر نداده‌اند، در مناطق ۲۰، ۱، ۱۸ و ۱۴، در مقایسه با دیگر مناطق تهران بیشتر است. همچنین بیشترین جابه‌جایی‌های درون‌شهری در مناطق ۵، ۱، ۲، ۴، ۱۴، ۱۱ رخ داده است. تغییر محل سکونت از شهر یا کشور دیگر، نوعی دیگر از جابه‌جایی‌های جمعیتی مورد توجه در این تحقیق بوده است. بر این اساس و بر پایه یافته‌های این تحقیق، مناطق ۱۸، ۱۵، ۵ و ۱۹ در مقایسه با دیگر مناطق شهر تهران، بیشترین جذب مهاجر را داشته‌اند. یعنی مهاجران، اغلب جذب مناطق جنوبی شهر، یعنی مناطق ۱۸، ۱۵ و ۱۹ و همچنین منطقه ۵ در شمال‌غرب شهر تهران می‌شوند. بخش مهمی از یافته‌های این تحقیق نقش متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در تعیین وضعیت مهاجرت و اشکال جابجایی در شهر تهران بوده است. در متغیرهای اقتصادی، درآمد و متراژ منزل مسکونی مورد نظر قرار گرفته است. بررسی نقش درآمد نشان می‌دهد الگوی جابجایی برای طبقه متوسط، جابجایی بین‌منطقه‌ای است و این نوع جابجایی برای این طبقه درآمدی، عمومیت بالاتری دارد. این الگو را می‌توان برای افراد با درآمد بالا و نیز خیلی بالا مشاهده کرد.

در میان افراد با درآمد بالا، کسانی که محل زندگی خود را تغییر نداده‌اند و یا از جایی دیگر وارد شهر تهران شده‌اند، بسیار کمتر است. جابجایی‌های بین منطقه‌ای برای افراد با منزل مسکونی متراژ بالا (بالای ۱۰۰ متر) بیشتر است. اما جابجایی‌های درون‌محله‌ای برای افراد با منزل مسکونی متراژ کمتر (کمتر از ۸۰ متر) عمومیت دارد. نکته مهم در یافته‌های متغیرهای اقتصادی این است که افراد با افزایش درآمد و همچنین با افزایش متراژ واحد مسکونی‌شان، راغب به تغییر منطقه محل زندگی خود می‌شوند اما افراد با درآمد کمتر و منزل مسکونی کوچک‌تر، در محله خود جابجا می‌شوند. بنابراین، افزایش درآمد و بهبود وضعیت زندگی و مسکن، افراد را به تغییر محله راغب می‌نماید. این یافته تأییدی بر رویکرد اکولوژی انسانی است و همچنین با نتایج کارهای لارنس و رز (۲۰۰۳) و سجادی و احمدی دستجردی (۱۳۸۷) و تأکید آنها بر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و زنگنه و همکاران (۱۳۹۱) و تأکید آنها بر درآمد و محمودیان و خواجه نژاد (۱۳۹۸) و تأکید آنها بر مالکیت مسکن و قیمت مسکن و نقش آنها در جابجایی‌های درون‌شهری همخوان است.

در متغیرهای اجتماعی، تحصیلات و خویشاوندان در محل به‌عنوان متغیرهای مهم، مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص تحصیلات، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جابجایی‌های بین‌محله‌ای و بین منطقه‌ای برای افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، بیشتر رخ می‌دهد. همچنین مهاجرانی که وارد شهر تهران شده‌اند عموماً دارای تحصیلات پایین‌تری هستند. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین تعداد خویشاوندان در یک محله و ماندگاری در محله رابطه مثبتی وجود دارد. یعنی با افزایش تعداد خویشاوندان در یک محله، احتمال جابجایی و تحرک محله کمتر می‌شود. به‌طور کلی، یافته این تحقیق، در خصوص وجود خویشاوندان در محله، رویکرد خرده‌فرهنگی را تأیید می‌کند. این یافته همچنین تأییدی بر نتایج کارهای زنگنه و همکاران (۱۳۹۱) در خصوص نقش نزدیکی به خویشاوندان و آشنایان در جابجایی‌های درون‌شهری است. همچنین یافته‌های این بخش با تأکیدی که نظیر (۲۰۱۸)، و پیینگ (۲۰۰۶) و محمودیان و خواجه نژاد (۱۳۹۸) بر تحصیلات دارند همخوان است.

در میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، سن، تعداد فرزند و مدت اقامت در محله، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سن افراد، احتمال جابجایی افراد کمتر می‌شود و نکته پراهمیت اینکه در تمامی گروه‌های سنی، الگوی تحرک، جابجایی بین منطقه‌ای است. الگوی

سنی مهاجران وارد شده به شهر تهران، عموماً به سنین کمتر از ۴۰ سالگی مربوط است. همچنین تعداد فرزندان بیشتر نیز تحرک در شهر را کمتر می‌کند. علاوه بر این، اقامت بیشتر فرد در یک محله، احتمال جابه‌جایی او را در آینده کاهش می‌دهد. به‌طوری‌که جابه‌جایی از یک منطقه به منطقه دیگر تهران، برای افراد با سابقه بیش از ۲۰ سال زندگی در یک محله، در مقایسه با دیگران، پایین‌تر است. نتایج این کار با کارهای ویپینگ (۲۰۰۶) و زنگنه و همکاران (۱۳۹۱) و تأکید آنها بر سن و نقش آن در جابجایی درون‌شهری منطبق است.

به‌طور کلی، اثرگذاری متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی بر احتمال جابجایی افراد بر اساس دو نوع جابجایی درون‌محله‌ای و بین‌محله‌ای نشان داد که متغیرهای سن، مدت اقامت، وضعیت مسکن، تعداد خویشاوندان و تعداد فرزندان، احتمال جابجایی درون‌محله‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در جابجایی‌های بین‌محله‌ای، مدت زمان اقامت، سن و تعداد خویشاوندان، در احتمال جابجایی بین‌محله‌ای مؤثر هستند.

این نتایج نشان می‌دهند که در شهر تهران، متغیرهای مهم تأثیرگذار بر تغییر سکونت/جابجایی سکونت، افزایش درآمد، بهبود وضعیت زندگی/افزایش متراژ منزل مسکونی و تحصیلات بالاتر بوده است و متغیرهای مهم مرتبط با ماندگاری سکونت نیز، افزایش تعداد خویشاوندان در یک محله، افزایش سن، تعداد فرزندان بیشتر و مدت زمان اقامت بوده است. متغیرهای اثرگذار نامبرده در ماندگاری، در گذر زمان، باعث تعلق و پیوستگی فرد به محله می‌شوند.

با عنایت به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای سیاستی زیر را ارائه کرد. عمده جابجایی‌ها در شهر تهران به صورت جابجایی منطقه‌ای هستند و بنابراین، هویت‌بخشی به مناطق و محلات و در کنار آن تعادل در امکانات و تسهیلات می‌تواند بخشی از جابجایی‌ها را تعدیل نماید. همچنین محلات نیاز به هویت‌یابی دارند تا افراد با تغییرات شرایط خود چون افزایش درآمد و تحصیلات و بهبود وضعیت زندگی خود راغب به مهاجرت از محله نشوند؛ چرا که افزایش مدت زمان اقامت در یک محله و همچنین افزایش تعداد خویشاوندان، باعث ماندگاری فرد در محله می‌شوند.

منابع

- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۸۱). مهاجرت به شهر تهران، نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پروین، ستار، عبدالحسین کلانتری، محمدرحیم صفری و علیرضا مرادی (۱۳۹۲). مهاجرت درون‌شهری و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی محله دروازه غار)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۳۰-۱۰۷.
- پوراحمد، احمد، رحمت‌الله فرهودی، کیومرث حبیبی و مهناز کشاورز (۱۳۹۰). بررسی نقش کیفیت محیط مسکونی در مهاجرت‌های درون‌شهری، مطالعه موردی: بافت قدیم خرم آباد، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۵، صص ۱۷-۳۶.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۶). رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت به شهر تهران، روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۲۷-۵۵.
- حمدی، کریم و سروش فتحی (۱۳۸۸). عوامل مؤثر در گسترش مهاجرت به کلانشهر تهران، مطالعات مدیریت، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۹-۳۶.
- زنگنه، یعقوب، داوود سمیعی‌پور، سیدهادی حسینی، و زکیه آب‌باریکی (۱۳۹۱). بررسی روندها و انگیزه‌های مهاجرت‌های درون‌شهری (مطالعه موردی سبزوار)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۲، شماره ۷، صص ۶۱-۴۳.
- سجادی، ژیلا و حمید احمدی‌دستجردی (۱۳۸۷). بررسی علل و پیامدهای اجتماعی فضایی مهاجرت‌های درون‌شهری؛ مطالعه موردی: بافت قدیم تهران پارس در منطقه ۸ شهرداری تهران، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۶، صص ۹۹-۱۱۶.
- صفایی‌پور، مسعود و ژیلا سجادی (۱۳۸۷). علل و پیامدهای اجتماعی فضایی مهاجرت درون‌شهری اهواز (مورد مطالعه کیان پارس)، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد ۲۹، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۸.
- طیبیان، منوچهر، ناصر رضایی و همایون نورایی (۱۳۹۱). تبیین آثار مهاجرت درون‌شهری بر پایداری محیط‌های مسکونی (مطالعه موردی: محله کن-منطقه پنج تهران)، محیط‌شناسی، سال ۳۸، شماره ۶۱، صص ۱۴۱-۱۵۴.

۶۱ بررسی وضعیت جابجایی درون‌شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن

طیبنیا، مهری السادات (۱۳۸۸). پیامدهای مهاجرت برای خانوارهای مهاجر به شهر تهران، *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۶۴.

قاسمی اردهایی، علی و جعفر کردزنگنه (۱۳۹۶). تحلیل جریان‌های مهاجرت به مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال ۲۸، شماره ۲، صص ۲۴۷-۲۷۱.

قنبری، علیاله (۱۳۹۴). بررسی موضوع مهاجرت به تهران با استفاده از روش لایه لایه علی، *مجله آینده‌پژوهی مدیریت*، دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۲۷-۴۰.

کاظمی‌پور، شهلا و علی قاسمی اردهایی (۱۳۸۶). تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۳۰-۱۴۸.

محمودیان حسین و راضیه خواجه‌نژاد (۱۳۹۸). بررسی سطح، الگو و تعیین‌کننده‌های مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۰۳.

محمودیان حسین و علی قاسمی اردهایی (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، *توسعه محلی روستایی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۸.

محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۶). بررسی نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۴۹۸-۴۷۷.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵.

Ahlbrant. R. and P. Brophy (1975). *Neighbourhood Revitalization*, Lexington: D. C. Health and Company.

Ahlbrant. R. S. and J. V. Cunningham (1979). *A new public policy for Neighbourhood preservation*, New York: Prager.

Alonso, W. (1972). *A theory of the urban land market*. In: M.Edel and J.Rothenberg, *Reading in Urban Economics*, New York: The MacMillan Company.

Burgess, E. W. (1925). *The growth of the city: an introduction to a research project*. In: R.E.Park, E.W. Burgess and R.D.McKenzie (Eds) *the city*. Chicago/London: Universtiy of Chicago Press.

Clark, W. A. V. (1992). Residential Preferences and residential choices in multi-ethnic context, *Demography*, 29, pp.351-466.

- Crowder.K, Scott . J. S and Chavez. E (2006). Wealth, Race and Interneighborhood Migration, *American Sociological Review*, 71(1): 72-94.
- Firey. W. (1947). Land use in central Boston, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Hoyt. H. (1939). The structure and growth of residential neighborhoods in American cities, Washington DC: Federal Housing Administration.
- Laurence, H. Ross (2003). Reasons for Moves to and from A Central City Area, *Social Force*, Vol. 40, Issue 3, PP. 261-3.
- Muth, R. F. (1969). Cities and Housing, Chicago: University of Chicago Press.
- Nazeer. M. (2015). Relative attraction of cities and inter city migration: An analysis using the gravity setup, *Paper and Proceedings*, pp111-133.
- Pitkin, N. (2001). Theories of Neighborhood change: Implications for Community Development Policy and Practice. Essay.
- Temkin, K. and W. Rohe (1996). Neighbourhood change and urban policy, *Journal of Planning Educaion and Research* , 15 (3), pp.159-70.
- Varardy, D. P. (1986). Neighborhood Upgrading, A realistic assessment, Albany: State University of New York Press.
- Vogiazides, L. Chihaya. G. K. (2018). Migrants long term residential trajectories in Sweden: persistent neighbourhood deprivation or spatial assimilation?, *Housing Studies*, vol 35, pp875-902.
- Weiping w. (2006). Migrant intra-urban Residential Mobility in urban China. *Housing studies*, vol, 21, No. 5, 745-765.